نامه‏ی رییس جمهور ایران‏ به رییس‏جمهور امریکا

دکتر نعمت احمدی

خبر ارسال نامه‏ی دکتر احمدی‏نژاد،رییس جمهور ایران به‏ رییس جمهور امریکا،جورج بوش درست در بحران رفت‏وآمد پرونده‏ی هسته‏یی ایران از آژانس انرژی اتمی در فرصت یک ماهه‏یی‏ که شورای امنیت سازمان ملل تعیین کرده بود،را باید یکی از وقایع‏ مهم-البته باتاخیر-انقلاب اسلامی ایران دانست.پیروزی انقلاب‏ اسلامی در بهمن 1357 در واقع فانوس دریایی ایالات متحده‏ی امریکا را در کنار اقیانوس مواج شوروی،رقیب بی‏بدیل آن زمان امریکا خاموش ساخت.از اوائل سال 58 و زمانی که امریکا در واقع مهره‏ی‏ قابل اتکایی در ایران نداشت و داده‏های سازمان مخفی و امنیتی‏ اعم از سیا،ساواک و موساد برخلاف واقعیت جامعه‏ی ایرانی روی میز سران ایالات متحده‏ی امریکا خودنمایی می‏کرد،دولت امریکا رگ و پی مذاکره با ایران را قطع نمود.اردیبهشت سال 58 نخستین تحریم‏ امریکا که تا امروز برقرار است،راجع به بعض از اقلام کشاورزی ایران‏ من جمله پسته شروع شد و متعاقب آن تحریکاتی آغاز گردید که‏ سرانجام در 13 آبان‏ماه سال 1358 درست 268 روز بعد از پیروزی‏ انقلاب با قطع همه‏ی راه‏های دیپلماتیک دانشجویان پیرو خط امام‏ سفارت امریکا را اشغال نمودند،از این تاریخ تا 444 روز بعد که دیگر کارتر رییس جمهور امریکا نبود و به جای او رونالد ریگان جمهوری‏خواه‏ رییس جمهور شده بود،قبل از مراسم تحلیف،برابر بیانیه‏ی الجزایر گروگان‏ها که در ابتدای اشغال سفارت تعداد آنان زیاد و به دستور رهبر انقلاب با آزادی زنان و رنگین‏پوستان به 50 نفر تقلیل پیدا کرده بودند، آزاد شدند از پیروزی انقلاب تا آزادی گروگان‏ها 710 روز طول کشید و چراغ دریایی تازه‏یی روشن‏شد که امریکا در خلیج فارس تاکنون در پناه نور آن پایگاه دریایی خود را وسعت داده است.بین انقلابیون که‏ حول محور اتحاد به جهت برپایی استقلال و به دست آوردن آزادی در سایه‏ی جمهوری اسلامی جمع شده بود،تفرقه به وجود آمد تا جایی که‏ بین برادران دیروز که شعار دیروزشان اتحاد اتحاد بود،انشعاب به وجود آمد و با تاسف گلوله‏ی اسلحه‏ها به جای سینه‏ی دشمن به طرف‏ یک‏دیگر نشانه رفت.30 اردیبهشت 1359 جنگ در مرزها شروع شد و 30 خرداد 1360 جبهه‏ی داخلی جنگ در سرتاسر کشور گشوده‏ گردید.اختلاف سلیقه و یا تفسیر و برداشت گروه‏ها به جنگ خانگی‏ تبدیل شد و سران پرنفوذ جمهوری اسلامی یکی بعد از دیگری شهید شدند و یا همانند آقای هاشمی رفسنجانی مورد حمله قرار گرفتند و یا همانند مقام رهبری به جمع جانبازان پیوستند.چهره‏های تاثیرگذار انقلاب همانند دکتر بهشتی و دکتر باهنر و رجایی به خیل شهدا پیوستند و از این طرف جوانانی بی‏انگیزه وارد فاز نظامی شدند و در هر حال دشمن از این کشت و کشتار سود برد.8 سالی طول کشید که‏ سرانجام رهبر انقلاب با واقع‏بینی با تکیه بر بقای انقلاب با قبول‏ قطع‏نامه‏ی 598 روش مبارزه را تغییر داد.بعد از قبول قطعنامه و صلح‏ مسلح بین ایران و عراق خوشبختانه یا با تاسف اشتهای سیری‏ناپذیر صدام به طرف کویت تنوره کشید و مستقیما امریکا را وارد منطقه‏ی‏ خاورمیانه نمود.اگر آغاز هژمونی نظامی امریکا را از مقطع کمپ دیوید بدانیم،تکمیل آن‏که به حضور گسترده‏ی امریکا منتهی شد با حمله‏ی‏ کویت توسط عراق کامل شد.سرنوشت محتوم عراق از فردای حمله‏ به کویت به‏گونه‏ی دیگر رقم خورد و اگر از سال 1991 تا سال 2000 رژیم صدام را تحمل کردند،برای تحکیم پایه‏های نفوذ امریکا در منطقه بود،والا جورج بوش پدر همان سال 1991 می‏توانست کاری‏ را انجام دهد که پسرش بعد از شکست پدر در انتخابات ریاست‏ جمهوری امریکا به دست جوانی به نام بیل کلینتون دموکرات خورد و کرسی ریاست‏جمهوری امریکا به دموکرات‏ها رسید،تصاحب دوباره‏ قدرت بعد از 8 سال به زور نفوذ لابی‏های صهیونیستی و تصمیم به‏ وسیله‏ی جمهوری‏خواهان موقعیت جدیدی در برخورد با عراق را به وجود آورد.برای اولین بار رأی مردم امریکا با آرای الکترال مربوط به‏ سناتورهای ایالات امریکا هم‏خوانی نداشت و دادگاه برخلاف رأی‏ مردم،منتخب ردیف دوم را به حکومت رساند تا ماشه‏ی جنگ را در خاورمیانه بچکاند.

در همه‏ی این مدت ایران و دولتمردان آن کوشش کردند از درگیری مستقیم با امریکا اجتناب کنند و از طرفی باب مذاکره را نیز مسدود نمودند.زمانی امریکا علاقه به مذاکره داشت و حتا وزیر امور خارجه‏اش،مادلین آلبرایت،اشتباه سرنگونی رژیم دکتر محمد مصدق‏ را پذیرفت و یا بیل کلینتون در مجمع عمومی سازمان ملل با تکیه بر حروف اول نام خود که با نام سید محمد خاتمی،رییس جمهور هم‏ردیف بود خود را مهیای گرفتن عکس با رییس جمهور ایران نمود و شاید اگر در آن تاریخ فلاش دوربین‏ها در مجمع عمومی سازمان‏ ملل به صید رودررویی آقای خاتمی با کلینتون یا دست دادن این دو موفق می‏شدند،شاید سرنوشت انتخابات امریکا تغییر می‏کرد و آن‏ یک رأی الکترال که به زور دادگاه فدرال در سبد جورج بوش پسر ریخته‏ شد،به یقین نصیب ال‏گور همراه بیل کلینتون می‏شد و امروز چکمه‏های سربازان امریکایی در شرق و غرب ایران(افغانستان و عراق)را لگدکوب نمی‏کردند.

به هر صورت تاریخ با داده‏های خود سرنوشت مردمان را رقم‏ می‏زند و ایران از سال 1358 تأثیرگذارترین کشور در سمت و سوی‏ انتخابات امریکا می‏باشد.به یقین کارتر اگر مشابه نامه‏ی آقای‏ احمدی‏نژاد را دریافت می‏کرد،هیچ‏گاه رونالد ریگان بر مسند قدرت نمی‏نشست و اگر دوربین‏های عکاسی موفق به صید رو در رویی و یا دست دادن بیل کلینتون و سید محمد خاتمی می‏شدند،جورج‏بوش‏ پسر نمی‏توانست وارد کاخ سفید بشود تا فاجعه‏ی 11 سپتامبر و بهانه‏ی جنگ افغانستان و حمله به عراق را برای جناح جنگجوی‏ پنتاگون مهیا سازد.

حال که آقای احمدی‏نژاد نامه‏یی 18 صحفه‏یی و مستقیم برای‏ کاخ سفید ارسال داشته است.هرچند متن نامه کلی و پیرامون مسائل‏ اعتقادی و نیز نحوه‏ی برخورد دولتمردان امریکایی با مسلمانان‏ خصوصا مردم فلسطین و بالاخص مردم ایران است و به اختلافات روز یعنی پرونده‏ی هسته‏یی و تاکید امریکا با درک واقعیت و با تکیه بر حساسیت زمان و این‏که امریکا تا این لحظه توانسته با تکیه بر دیپلماسی خود به بهانه‏ی غنی‏سازی اورانیوم که حسب ماده‏ی 4 معاهده‏ی NOT حق طبیعی ایران است،پرونده‏یی برای ایران باز نماید که سرانجام برای تعیین تکلیف نهایی به شورای امنیت ارجاع شد و اگر قادر باشد به هر بهانه قطع‏نامه‏یی برابر بند 7 منشور ملل متحد علیه‏ ایران را اخذ کند که ایران کشوری‏ست مخالف صلح بین المللی مسلّم‏ است که فصل هفتم منشور ملل برای اعمال زور است و اگر قطع‏نامه‏یی تحت هر عنوان اما مستند به فصل هفتم توسط شورای‏ امنیت علیه ایران تصویب شود.بدیهی‏ست ایران در مقابل اجماع‏ جهانی به عنوان کشوری مخالف صلح بین المللی معرفی می‏شود، نامه‏ی آقای رییس‏جمهور اگر با پاسخ ایالات متحده روبه‏رو شود،باب‏ مذاکره به‏گونه‏ی دیپلماسی مکاتبه‏یی باز شده والا ظاهر امر آن‏چنان‏ است که امریکا توانسته اجماع کلی را به دست آورد،به این گفته‏ی‏ وانگ‏گوانگیا،سفیر دائمی چین در شورای امنیت توجه کنید...موضع‏ من مشخص است،فصل هفتم برای اعمال زور است،به نظر قطع‏نامه‏ی شورای امنیت یعنی الزام‏آور و همه باید قطع‏نامه شورای‏ امنیت را تصویب کنند.چین نمی‏خواهد قطع‏نامه‏یی را وتو کند.بلکه‏ مایل است که اجماع شورای امنیت را ببیند.(روزنامه‏ی اطلاعات‏ سه‏شنبه،نوزدهم اردیبهشت 85)ملاحظه می‏شود،اعضای دائم‏ شورای امنیت درصدد تصویب قطع‏نامه‏یی علیه ایران می‏باشند و از مفاد گفته‏های نماینده‏ی چین نوعی عدم تفاهم نسبت به شیوه‏ی‏ تصویب مستفاد می‏شود نه اصل مطلب قطع‏نامه برابر بند هفتم باید در نظر داشت شورای امنیت 15 عضو دارد،5 عضو دائمی و 10 عضو غیردائم که به‏وسیله‏ی مجمع عمومی انتخاب می‏شوند،قطع‏نامه‏های‏ شورای امنیت اگر با وتوی یکی از اعضای دائم در مقابل 9 رأی مثبت 15 عضو دائم و غیردائم به تصویب برسد،لازم الاجراست،حال‏که‏ نماینده‏ی چین به صراحت از عدم وتو یاد می‏کند و بعید است روسیه‏ هم دنبال وتو باشد،رأی ممتنع این دو عضو دائمی به همراه رأی مثبت‏ 3 عضو دائم دیگر به اتفاق 6 عضو غیردائم یعنی در مجموع 9 رأی‏ قابل اجرا خواهد و این نکته‏یی‏ست که حد اقل سه عضو تهیه‏کننده‏ قطع‏نامه یعنی فرانسه،انگلیس و امریکا آن را مد نظر دارند.

حال باید دید متن نامه‏ی رییس‏جمهور چه بابی را می‏گشاید.آیا باب گفت‏وگو باز خواهد شد و یا نامه‏یی‏ست که یخ سیاسی 27 ساله را باز نخواهد کرد.

درد بی‏مشکلی

محمد حسن حسامی محولاتی

آن شنیدم که مجلس هفتم‏ کرده مطرح لباس زن‏ها را طرح و اندازه‏ی لباس زنان‏ کرده پُر وقت مجلس را چشم را باز کن ببین و بسنج‏ وضع ما را و وضع دنیا را ما کجاییم و دیگران به کجا همه‏جا را ببین و این‏جا را ما نداریم مشکلی دیگر تا کند طرح مجلس آن‏ها را مشکل ما لباس زن‏ها بود که دهم مژده پیر و برنا را که شد آن هم به لطف مجلس حل‏ شکر پروردگار دانا را درد بی‏مشکلی معمایی‏ست‏ آی خدا حل کن این معما را

بدرود با مشاهیر

1-حسن شهباز(1299 شمال ایران-1385 امریکا)مترجم و ادیب‏ نامور و سردبیر فصلنامه‏ی ره‏آورد چاپ امریکا،در اردیبهشت‏ماه بدرود زندگی گفت.ره‏آورد که بیست و شش سال با عنوان«نامه‏ی آزاداندیشان‏ ایران»در امریکا منتشر شد،از مهم‏ترین نشریه‏های پارسی برون مرزی بود و به همین دلیل،پنجمین«جایزه‏ی ادبی یارشاطر»که پیش‏تر به استادانی‏ هم‏چون دکتر ذبیح اللّه صفا،نادر نادرپور،محمد تجویدی و مهندس‏ هوشنگ سیحون اعطا شده بود،در 1381 به او اهدا شد.ما بخشی از خاطرات او را در حافظ چاپ کرده‏ایم.

2-مهندس رضا صدقیانی(1296 سبزوار-1384 کانادا)وزیر اسبق‏ کشاورزی،از هم‏کلاسی‏های دبستانی زنده‏یاد استاد سید علینقی امین، کاظم اسکویی و وحید اشراقی،تحصیلات ابتدایی را در سبزوار،دوره‏ی‏ متوسطه را در دبیرستان فردوسی مشهد و تحصیلات دانشگاهی را در دانشکده‏ی کشاورزی کرج و دانشگاه سیراکوس(در امریکا)گذرانید.او در دولت ازهاری به زندان افتاد و در 22 بهمن 57 که درهای زندان‏ها باز شد، از زندان بیرون آمد و به کانادا رفت.آقای غلام‏حسین قرشی(رییس‏ انجمن الیگودرزی‏های مقیم مرکز)درباره‏ی مهندس صدقیانی که در 1354 جانشین دکتر حسن زاهدی شد،شعری دارند که در دیوان ایشان‏ چاپ شده است.